

برای سهولت رفت و آمد اعضا سرویس ایاب و ذهاب با هزینه دفتر فرهنگ معلولین آماده گردید.

اعضای گروه ۵ نفر و به شرح زیر است:

۱. نرگس گل‌وردی نابینا دارای مدرک کارشناسی الهیات و مدرک تربیت مربی قرآن از سازمان تبلیغات اسلامی
 ۲. کبری صفایی صابر کم‌بینا کارشناس ارشد ادبیات فارسی
 ۳. منصوره ضیایی فر نابینا کارشناس ارشد ادبیات فارسی
 ۴. رقیه میرزایی کم‌بینا کارشناس ادبیات فارسی
 ۵. ملیحه چراغی نابینا کارشناس ارشد روانشناسی
- این گروه قطعه زیر را چند ماه تمرین کرد و در اجرای آن صاحب سبک شده بودند:

مژده از بهاران ده بر خزان نابینا

نخل کاهلی برکن از روان نابینا

گر چراغ خاموش است دیدگان او اما

پر فروغ امید است شمع جان نابینا

خواهی از بدانی چیست روز و روزگار او

شرح حال او بشنو از دهان نابینا

واژه‌هایی چون عاجز بهر وی نمی‌زیبید

همچنان توانمندند بازوان نابینا

تا ز جانب داور قسمتش چنین گردید

کی رود به غیر از شکر بر زبان نابینا

تا که پرتو ایمان در دلش تبلور کرد

جلوه‌گاه صبر آمد آسمان نابینا

داده دیدگان از کف آن مجاهد جانباز

تا که بنگرد حق را در مکان نابینا

ای سفید عصای او ای رفیق راه او

نکته‌ها به لب داری در بیان نابینا

ای برادر دینی گوش جان دمی بسپر

درد دل بسی دارد نوجوان نابینا

تا محبت رهبر نقل مجلسش گردید

ره کجا برد خاری در کیان نابینا

تا به احمد و آتش عشق و مهر می‌ورزد

کی (بصیر) تاریخ است این جهان نابینا

سروده زنده یاد احمد پوستچی متخلص به (بصیر) شاعر نابینا

اما این گروه، پشتیبانی دفتر فرهنگ معلولین را از دست داد و متأسفانه جای دیگر هم حمایت نکرد و تعطیل شد. با اینکه بچه‌ها استعداد خارق‌العاده در فراگیری فنون موسیقایی داشتند. اگر سازمانی و نهادی از آنان اندک حمایتی می‌نمود قطعاً جزو گروه‌های بزرگ و آینده‌دار می‌شد.

درد و دل ما روشندان در این زمینه زیاد است. حمل بر خودستایی نشود؛ واقعیت این است که بچه‌های روشندان یکپارچه خلاقیت و ابتکارند ولی نیاز به دستگیری و حمایت دارند. این رخداد را نوشتیم تا در تاریخ معلولان و نابینایان ثبت گردد (۱۳ بهمن ماه ۹۳).

معلولیت و نویسندگی مصاحبه با خانم هانیه عرب

مصاحبه کننده: الهه قاسمی

اشاره

تا چند دهه پیش فکر می‌شد، معلولان فقط برای مشاغل محدود مثل تلفنچی یا بلیت فروشی اتوبوس‌های شهری و امثال اینها توانایی دارند. اما با پیشرفت‌های معلولان و حضور در همه مشاغل علمی، فرهنگی، اجتماعی، صنعتی، مدیریتی و کشاورزی، آحاد جامعه متقاعد شده‌اند، معلولان بالقوه توانایی همه مشاغل را دارند. روانشناسان تأکید می‌کنند، کارهایی مثل روزنامه‌نگاری، گزارش‌نویسی و نویسندگی کتاب و مقاله برای معلولان علاوه بر اینکه می‌تواند شغل باشد، یک نوع آرام‌بخشی روح و روان هم هست. از اینرو مجله توان‌نامه همواره بر مشاغل فرهنگی و علمی برای معلولان تأکید کرده و درصدد انتقال تجارب در این زمینه است. خود مددجویان، دستاوردها و تجربه‌های خوبی دارند. آنان باید علل و عوامل موفقیت حتی شکست‌های خود را به دیگران انتقال دهند.

خانم هانیه عرب به رغم مشکلاتی که دارد از روحیه خوبی برخوردار است؛ نیز دارای پشتکار و تلاش‌های مداوم می‌باشد. به همین دلیل توانسته آثار سودمندی تألیف و عرضه کند. متأسفانه جامعه ما آنقدر که چهره‌های خارجی را می‌شناسد، اطلاع اندک از چهره‌های داخل دارند. مثلاً مردم و خانوارهای هم‌محل‌های خانم عرب آیا ایشان را می‌شناسند؟ چند بار به سراغ ایشان رفته‌اند؟ آیا یک دسته گل هرچند کوچک در سالگرد تولد ایشان به در خانه‌اش فرستاده‌اند؟ آیا در مسجد و حسینیه محل یا پارک محل، مردم یک بعدازظهر جمعه جمع شده‌اند و از ایشان تجلیل کرده‌اند؟ اگر پاسخ‌ها مثبت است، باید مردم را به کارهای دیگر مثل این تشویق کرد: شهرداری ناحیه یا مردم نیکوکار یک جعبه با در شیشه‌ای مثلاً ۶۰ در ۶۰ سانتی‌متر تهیه کنند و سر کوچه خانم عرب نصب کنند و کتاب‌های ایشان را نمایش دهند. شهرداری یا مردم آثار ایشان را به تعداد خانواده‌های محله خریداری و بین مردم پخش کند. و کارهای دیگر اینگونه‌ای لازم است.

توان‌نامه هم به سهم خود درصدد برآمد با هانیه عرب گفت‌وگویی داشته باشد؛ بلکه در انتقال تجارب ایشان سهیم گردد.



*** لطفاً خود و آثار علمی و فرهنگی مانند کتاب، مقاله و ... را معرفی فرمایید.**

در مهرماه سال ۱۳۶۹ در تهران متولد شدم دارای مدرک کارشناسی حقوق از دانشگاه مجازی نور طوبی تهران با معلولیت جسمی حرکتی از نوع سی پی کوادر اسپاستیک (فلج مغزی کل اندام) می‌باشم به ادبیات علاقه زیادی داشته و در اوقات فراغت مطالبی در رابطه با موضوعات مختلف می‌نویسم.

تا به حال پنج کتاب با عناوین: قهرمان عرصه زندگی (داستان کوتاه)، تولدی دوباره (نثر ادبی)، پرواز بر بال عشق (نثر ادبی)، آوای الفاظ حقوقی (لغات حقوقی)، سفیران ساحل امید در قوانین حقوقی

(قوانین حقوق معلولان) را به رشته تحریر درآورده‌ام البته با مجوز اداره کل کتاب که دو کتاب حقوقی به عنوان تحقیق دانشگاهی من هم بوده است.

در جشنواره‌ها و همایش‌های مختلف در حوزه معلولان مشارکت داشته، در روزنامه‌های مختلف مصاحبه نموده و در نشریه‌های مرتبط با معلولان مطالبم چاپ شده است که چند نمونه را به اختصار ذکر می‌نمایم:

* حضور در جشنواره دختران آسمانی (کسب رتبه اول)

* حضور در همایش فقط یک قدم... در دانشگاه علامه طباطبایی (دریافت تقدیر از انجمن علمی روانشناسی کودکان استثنایی)

* حضور در جشنواره انجمن باور بخش داستان نویسی (کسب رتبه دوم)

* حضور در جشنواره وبلاگ‌نویسی توان‌یاب و فضای مجازی (رتبه اول و چهارم لبخند زندگی)

* مصاحبه با روزنامه‌های اطلاعات، آرمان، ایران، فصلنامه پیک توانا و تلاش سبز

* نمایش مستند (زندگی در مسیر همیشه، خانه ما) از شبکه دو سیما در رابطه با زندگی خودم و...

گذراندن دوره‌های مختلف کامپیوتر و کسب مدارک آن و عناوین و رتبه‌های دیگر که در این مبحث نمی‌گنجد.

*** نویسندگان دارای معلولیت چه رسالت و تعهدی نسبت به جامعه معلولان و نسبت به عموم مردم دارند؟**

یک نویسنده دارای معلولیت باید با ارائه مطالب مناسب و صحیح بتواند هم به عموم افراد جامعه و هم به جامعه معلولان اطلاع‌رسانی درستی داشته باشد. باید مطالب خود را به گونه‌ای طراحی نماید که هم نگرش افراد جامعه نسبت به معلولان عوض شده و هم تأثیر مثبتی بر روی معلولان جامعه داشته باشد. می‌تواند مطالب خود را به گونه‌ای بیان نماید که خود نویسنده به عنوان یک الگوی عملی جامعه، توانمندی‌های علمی و ادبی خویش را در معرض دید همگان قرار دهد مطالبش باید توأم با احترام و ارائه مشکلات و محدودیت‌های جامعه با بیانی زیبا مطرح گردد که روی همگان تأثیر مثبت بگذارد یک نویسنده معلول وظیفه دارد خود و جامعه معلولان را به مردم خوب معرفی کند و انتظارات جامعه معلولان را به عنوان افرادی که حق استفاده برابر از امکانات جامعه را دارند بیان نماید.

*** آیا با تألیف کتاب یا مقاله تفتنی که مشتمل بر فرهنگ‌سازی و رسالت خاصی نیست موافق هستید؟**

اصلاً با هرگونه برنامه‌ای که هدف و رسالت نداشته باشد موافق نیستیم زیرا بر این عقیده‌ام که اگر نوشته‌هایم برنامه و هدف نداشته باشند نتوانسته‌ام خود را به عنوان یک فرد جامعه دارای هویت عالی به مردم معرفی نمایم و نمی‌توانم با مخاطب خود ارتباط مناسب برقرار کنم. بر اساس همین اصل است که نوشته‌هایم را قبل از چاپ برای افراد معلول و سالم جامعه می‌خوانم و نظرات آنها را جویا می‌شوم و هر جایی که بر خواننده اثر سوء داشته باشد از ادامه آن نوشته خودداری می‌کنم زیرا با مشکلات زیادی که برای نوشتن مطالبم به واسطه مشکلات جسمی دارم برایم بسیار مهم است که تأثیر خوبی بر مخاطب داشته و در او ایجاد انگیزه و امید نماید. یک مطلب بی‌هدف و تفتنی این ارزش را برای من تداعی نخواهد کرد.

*** تاکنون آثار شما به نظر خودتان چه تأثیرها و چه پیامدهای مثبتی در جامعه داشته است؟**

در افراد دارای معلولیت به خصوص از نوع شدید به قدری اثر گذاشته که آنها را برای نوشتن کتاب ترغیب کرده که اگر در سطح جامعه شرایط مناسب نیست که حضور داشته باشند می‌توانند از طریق نوشته‌هایشان هم احساسات خود را بیان نموده و هم با افراد جامعه ارتباط برقرار کنند و آنها را به زندگی امیدوار نمایند. من در نوشته‌های نثر ادبی خود علاوه بر اینکه مشکلات خود و جامعه را مطرح می‌کنم همگان را به امید و تلاش دعوت می‌نمایم و کسانی که مرا از نزدیک می‌شناسند و می‌دانند که مشکلات جسمی من بسیار زیاد است قبول دارند که غلو نمی‌کنم و این امید و تلاش و توکل بر خداست که مرا استوار نگه می‌دارد. نوشته‌هایم به خصوص کتاب‌های حقوقی من تأثیر بسیار زیادی هم بر اساتید بسیار سخت‌گیر دانشگاه داشته و هم بر روی دانشجویان و آنها را به نوشتن کتاب حقوقی ترغیب کرده و این جسارت نوشتن من به آنها نیز منتقل شده و از این جهت بسیار خرسندم.

من در نوشته‌های خود سعی کردم از تمامی افراد جامعه که به معلولان خدمتی کرده تشکر کنم تا بدانند ما معلولان از کمک و یاری عموم مردم جامعه استقبال می‌کنیم ولی از ترحم نه، دوست داریم که ما را به عنوان یک فرد از افراد جامعه با شرایط ویژه ببینند. آنها را دوست داریم و می‌خواهیم که آنها نیز به ما همین حس را داشته باشند و در

همین راستا در یکی از کتاب‌های خود گلچین نظرات تعدادی از افراد جامعه را نوشته‌ام که بازخورد کتاب‌هایم بوده است.

*** به نظر شما معلولان چه اخلاقیات، روحیات، آداب و رسوم دارند که شما نویسندگان باید به اصلاح، تغییر یا تکمیل آنها بپردازید؟ و آیا آثار شما در این جهت موفق بوده است؟**

متأسفانه بعضی از هموعان من روحیاتی که مناسب یک انسان متعالی است را کمتر دارند از جمله اینکه به علت مشکلات خاصی که دارا بوده و فردی ویژه محسوب می‌شوند یا به علت معلولیت در کنج خانه خود را حبس کرده و منزوی شده‌اند و یا اگر منزوی نیستند بسیار حساس و زود رنج می‌باشند که خود من نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشم، ولی باید با تمرین و ممارست این مشکل را کم‌رنگ کرد و یا در بعضی موارد هموعان من و حتی خودم بسیار پر توقع هستیم، البته نه توقع بیجا و بی مورد. زیرا انتظار داریم اگر ما معلول هستیم حداقل جامعه و شهر ما معلول نباشد تا ما راحت‌تر بتوانیم به نیازهای اجتماعی خود دست پیدا کنیم البته باید بدانیم اگر نسبت به ما ترحم شده و یا برخورد نامناسبی از طرف مردم صورت می‌گیرد شاید به دلیل محبت زیاد و یا عدم آشنایی با مشکلات ما می‌باشد که ناخواسته به صورت افراطی بروز کرده و موجب رنجش خاطر ما می‌شود. من فکر می‌کنم در نوشته‌هایم هر دو طرف قضیه را در نظر گرفته، از طرفی از جامعه و مردم خود می‌خواهم که با ما رفتار مناسب‌تر و توجه بیشتری به شرایط ویژه ما داشته باشند و از طرف دیگر از هموعان خود می‌خواهم با ایمان به خدا و توکل و امید بر مشکلات خود فائق آیند و صبر پیشه کنند و بدانند اگر تلاش کرده و به یاری خدا ایمان داشته باشند حتماً موفق خواهند شد و امیدوارم با نوشته‌هایم توانسته باشم نور امید را در دل همه افراد جامعه زنده نمایم.

*** به نظر شما عموم مردم چه وضعیتی دارند که باید از طریق آثار شما اصلاح شود؟ آیا آثار شما در این جهت موفق بوده است؟**

همانطور که ما معلولان عاری از عیب و نقص نیستیم مردم جامعه نیز از این قاعده مستثنی نیستند. فکر می‌کنم علت آن بیشتر عدم آگاهی از شرایط ویژه ما باشد و گرنه قصد و هدفی در کار نیست. به طور مثال ممکن است برای محبت و مهربانی به ما از کلمات نامناسبی که باعث رنجش خاطر ما می‌شود استفاده کرده که در اصطلاح اسم آنرا ترحم می‌گذاریم. و یا زمانی که در مراسم برنامه‌ای اجرا می‌شود در همان لحظه احساسی شده و بدون اینکه فکر کنند آیا قادر به انجام کاری برایمان می‌باشند وعده وعید داده و آن فرد معلول را منتظر توجه خود گذاشته و بعد از زمانی دیگر اصلاً فراموش می‌کنند که چه قولی داده‌اند؛ و یا همین وعده ایجاد تنش و مشکل برای آن معلول می‌کند که برای خود من بسیار پیش آمده و مشکلاتی هم برایم به وجود آورده است. پس اگر در رابطه با معلول کاری نمی‌تواند انجام دهند لطف کرده و سکوت نمایند. زیرا ما توقعی از کسی نداریم این بهتر از وعده غیرقابل انجام است.

اگر مردم جامعه ما می‌خواهند لطفی به معلولان نمایند اول باید با روحیات و مشکلات آنها آشنا شوند که از طریق رسانه‌ها یا نوشته‌های خود معلولان و یا دیگر آثار آنها این امر محقق خواهد شد، بعد اگر در توانشان بود آنها را همراهی نمایند.

معلولان ما توقع دارند همه آحاد مردم به آنها به عنوان شهروند درجه یک نگاه کنند و سعی کنند با کمک خود آنها موانع را از سر راه همه انسان‌ها بردارند. من در نوشته‌های خود به همه این موارد اشاره کرده‌ام

و بازخورد آن را در بین هموعان خود دیده‌ام ولی این امر باید با اطلاع‌رسانی مداوم و مدیریت بهتر انجام شود تا زودگذر و آنی نباشد.

*** برای گسترش رسالت‌مداری نویسندگان دارای معلولیت چه راه‌کاری پیشنهاد می‌کنید به عبارت دیگر به نظر شما چه روش‌هایی باید اجرا شود تا آثار این نویسندگان در موضوعات معلولان بیشتر و مؤثرتر باشد؟**

سخنی که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. اگر نوشته‌های یک معلول از عمق وجود باشد حتماً تأثیر خوبی بر مخاطب و خواننده خود خواهد داشت. به نظر من برای تأثیر بیشتر آثار معلولان باید فرهنگ‌سازی مناسب در قالب نمایشگاه‌های مختلف، توزیع در مراکز فرهنگی، پارک‌ها، صدا و سیما، رسانه‌های مکتوب، شبکه‌های اجتماعی مجازی، فرهنگسراها و... صورت گیرد. یکی از کارهای مثبتی که رعد الغدیر انجام داده که فکر می‌کنم تأثیر بسیار خوبی داشته دعوت از دبیرستان‌های پنج منطقه تهران به صورت گزینشی و دعوت از دانش‌آموزان بعضی مدارس بوده که با این روش هم آثار معلولان معرفی می‌شود و هم از نزدیک با آنها آشنا می‌شوند و می‌توانند به عنوان سفیر و نماینده مدارس خود و معلولان اطلاع‌رسانی نمایند.

*** نشست‌های نویسندگان معلول و برگزاری جشنواره کتاب سال معلولان را چه اندازه در تولید آثار فاخر و سودمند مؤثر می‌دانید؟**

بسیار زیاد، ولی برای من سؤال است که جشنواره کتاب سال معلولان واقعاً اجرا می‌شود یا جنبه تشریفاتی و صوری دارد. زیرا با توجه به اینکه سعی کرده‌ام از همه جشنواره‌ها اطلاع کسب نمایم این جشنواره را فقط یک بار در سال‌های خیلی دور شنیده‌ام. شاید این جشنواره را به عنوان یک طرح مطرح می‌نمایید که امیدوارم اگر طرح است اجرایی شود.

در انتهای مصاحبه خود چند پیشنهاد دارم که امیدوارم به آن توجه شده و در صورت امکان عملی شود. اول اینکه ما نویسندگان از هم دور هستیم فکر می‌کنم اگر نویسندگان معلول استان‌های همجوار با هر درجه از معلولیت بتوانند ماهانه و یا فصلی جلسه‌ای با هم داشته باشند و برنامه‌های خود را با همفکری یکدیگر انسجام ببخشند تأثیر بسیار زیادی خواهد داشت. زیرا در کنار هم بودن محاسن زیادی دارد که هم از مشکلات استان‌های خود بهتر مطلع شده و در رفع آن از جهت فرهنگی می‌توانیم اقدام نماییم و هم برنامه‌های خود را منسجم‌تر مدیریت می‌نماییم. زیرا در رسانه مجازی نمی‌شود همه راه‌کارها را بررسی کرد و حتی در همین جلسات می‌توان کلاس‌های آموزشی برگزار کرد و از تجربیات همدیگر بیشتر مطلع شد.

امیدوارم در آینده‌های نزدیک این امر محقق شود و همه نویسندگان معلول استان‌های همجوار در کنار هم قرار گیرند و با همفکری و مساعدت یکدیگر بتوانیم گامی مؤثر برای رفع موانع و مشکلات معلولان و فرهنگ‌سازی مناسب برای این قشر ویژه برداریم. بودن چند فکر در کنار هم بهتر از یک فکر است.